
میگل دلیبس

داستان‌های قدیمی
از کاستیا لایه‌خا

ترجمه‌ی آرش فنائیان و فرناز فروتنی



فهرست

	سخن مترجم
۷	
۱۱	۱ روستا در قاب
۱۵	۲ آنیانو، مرد نامه‌رسان
۱۹	۳ گردوها، جغد و پرندۀ زنبورخوار
۲۳	۴ نهالستانِ بی‌حاصل
۲۷	۵ برادران هرناندو
۳۱	۶ برآمدگی فونته‌توبا
۳۵	۷ خرچنگ‌های سان بیتو
۳۹	۸ سیسینیا، شهید پاک‌دامنی
۴۳	۹ دیوارهای آویلا
۴۷	۱۰ آسمان‌های ابری بیرخن آ بیرخن
۵۱	۱۱ سایه‌سارِ سپیدارهای عاشق
۵۵	۱۲ ماتاکان، خرگوش تاکستان
۵۹	۱۳ یک لقمه نان برای هر کاستیلی
۶۳	۱۴ کلاغ‌های سیاه و هوبره‌ها
۶۷	۱۵ پاره‌سنگ‌های سیاه
۷۱	۱۶ لا مسا دِ اُس موئرتس
۷۵	۱۷ بازگشت
۷۹	«شکارچی ای هستم که کار نویسندگی هم می‌کند» (مصاحبه)

سخن مترجم

ادبیات لاتین فرصتی است تا لابه‌لای چیزهایی سرک بکشی که در زندگی روزمره از کنارشان به سادگی، به پرسه و یا با اعتنایی اندک عبور می‌کنی. نگاه بی‌پرده و گاه حتا دریده‌ی اهالی فرهنگ‌اش، که نویسندگان‌شان نیز از آن جمله‌اند، پنجره‌ای ست تا بگشایی و روشن بینی دل‌ضربه‌هایی که همیشه مقابل افکار و گفتار ما بسته و ناگفته باقی می‌مانند. مواجه‌شدن با ناب‌ترین احساسات آدمی تو را به چنان سکوتی وامی‌دارد که تنها می‌توانی بنشینی با نگاهی سرشار؛ سرشار از حرف‌های مگو... پُر از دل‌تنگی‌های رنگ‌رنگ... پُر از آه‌هایی نکشیده که روزی با نوشیدن قهوه‌ای تلخ در بالکن خانه‌ی پدری جرعه‌جرعه پایین بآیدش داد.

بگذریم...!

میگل دلیبس یکی از همان‌هاست. از آن مؤلف‌ها که خوب می‌نوشت و خوب‌تر تماشا می‌کرد. این خصلت که گفتم از قلب نوشته‌هایش پیدا است. خواننده‌ی عزیز! روزگاری که سپری می‌کنیم در بیش‌تر مواقع خراش‌ها و تاول‌های تأسّف‌باری بر پیکر خود می‌بیند و نگاه‌هایی چنین ناب و رها در آن به‌ندرت به چشم می‌خورد. امیدوارم

که با ترجمه‌ای شایسته و تبدیل‌هایی بایسته پُلی زده باشیم به قلب نوستالژیک این نویسنده‌ی کم‌آشنا، میگل دلیبس. این‌طور که پیداست برگردان مشهوری از او تا به حال نبوده یا ما سعادت مطالعه نداشته‌ایم. پس چند خطی معرفی و بعد، قصه‌هایش که بسیار کوتاه‌اند و از قافله‌ی خاطره و گذشته و دل‌تنگی....

میگل دلیبس، رمان‌نویس و داستان‌نویس اسپانیایی، در ۱۷ اکتبر ۱۹۲۰ در وایادولید اسپانیا چشم به جهان گشود. تحصیلات وی در زمینه‌ی حقوق و تجارت بود. از سال ۱۹۴۱ برای روزنامه‌ی شمال اسپانیا شروع به نوشتن کرد و در سال ۱۹۵۸ به‌عنوان مدیر این روزنامه برگزیده شد. وی هم‌چنین از سال ۱۹۷۵ به عضویت «رنال آکادمی» اسپانیا در آمد. او در طول دوران حیات خویش به کشورهای مختلف اروپا، آمریکای جنوبی و هم‌چنین به ایالات متحد سفر کرد و خاطرات خود در آمریکا را در قالب کتاب آمریکا و من در سال ۱۹۶۶ به چاپ رساند. بسیاری از آثار دلیبس به توصیف مردم و نحوه‌ی زندگی در زادگاه‌اش کاستیا لایبه‌خا (منطقه‌ای در استان وایادولید) پرداخته است. عشق به طبیعت بکر و نگرانی نسبت به گذشته، سنت، قبیله و محیط‌زیست از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار او به شمار می‌روند.

اولین رمان او با نام سایه‌ی سرو بلند است (۱۹۴۸) برنده‌ی جایزه‌ی نادال شد. پس از آن آثار زیادی از او به چاپ رسید که از بین آن‌ها می‌توان به جاده (۱۹۵۰) اشاره کرد. این قصه صحنه‌هایی از زندگی روستایی را بر پایه‌ی خاطرات سفر پسر بچه‌ای که برای ادامه‌ی تحصیل به شهر می‌رود توصیف می‌کند. از بین دیگر آثار او می‌توان

موش‌ها (۱۹۶۲) را نام برد که توصیفی است کنایه‌آمیز از دنیای کودکی و زندگی روستایی. پنج ساعت با ماریو (۱۹۶۶) اثر کنایه‌آمیز دیگری از جامعه‌ی اسپانیا پس از جنگ داخلی (۱۹۳۶-۱۹۳۹) است که به سبک تک‌گویی‌های درونی به نگارش در آمده است. قدیسان بی گناه (۱۹۸۱) اثری رئالیستی و تراژیک است که زندگی در یک خانه‌ی روستایی اسپانیایی را توصیف می‌کند، جایی که کشاورزان را صاحب‌خانه‌ها اخراج کرده‌اند، و آنان زندگی سختی را می‌گذرانند و نمونه‌های بومی بی‌گناهی هستند که مورد ظلم قرار گرفته‌اند.

علاوه بر رمان، دلیبس داستان‌های کوتاه و مقالاتی نیز منتشر کرده است که از میان آن‌ها می‌توان داستان‌های قدیمی از کاستیا لایبه‌خا (۱۹۶۴) و عزیمت (۱۹۵۴) را برشمرد. کودکی، شفقت مردم روستایی و سختی زندگی‌شان، نقد شهرنشینی، اهمیت مذهب و جست‌وجوی هویت فردی دغدغه‌های اصلی آثار این نویسنده‌ی شهیر اسپانیایی به حساب می‌آیند. او در سال ۱۹۹۰ برنده‌ی جایزه‌ی ملی ادبیات اسپانیا شد و در ۱۲ مارس ۲۰۱۰ بر اثر سرطان دار فانی را وداع گفت.

و... سر خم می‌کنم حضور رفیق تمام‌عیار و یاور بی‌نظیرم، سروش دوستی، که مثل همیشه وقت و دانش خود را، با وسواسی که می‌دانم، برای بازخوانی این نوشته گذاشت. هم‌چنین دوست ابدی و ادیبام، داوود تقی‌زاده، که ویرایش نخست این برگردان را به مهر و دقت بی‌نهایت انجام داد.

پیشکش به ساز اولام «مایا» که اسباب آشنایی من با فرهنگ لاتین و هنر فلامنکو بود. او در حادثه‌ای که هرگز فراموش‌ام نمی‌شود مرا ترک کرد....